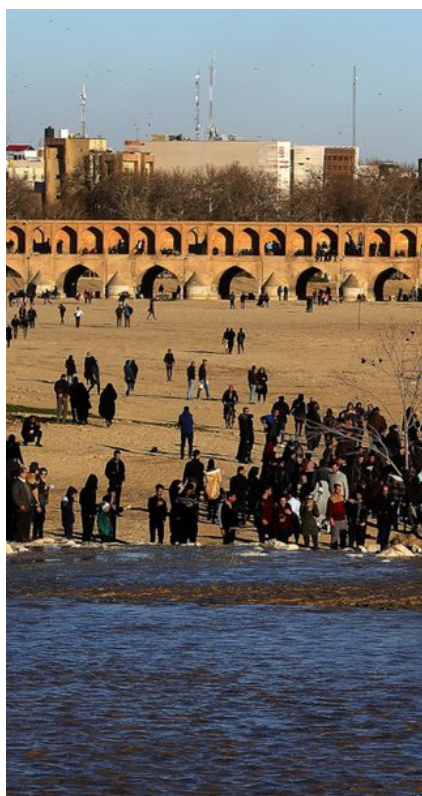


سخن سردبیر

در کشور ایران تا قبل از قانون آب و نحوه ملی شدن آن، مصوب سال ۱۳۴۷ به میحث مالکیت اشخاص بر منابع آبی و حفظ حقوق آن‌ها به صراحت اشاره و آن را محترم می‌شمرد. از قانون آب و نحوه ملی شدن آن به بعد حقوق اشخاص در بهره‌برداری از منابع آب موقوف به صدور پروانه بهره‌برداری (مواد ۱۸ و ۱۹ و ۲۱ قانون توزیع عادلانه آب) شده است؛ اما علی‌رغم گذشت چندین دهه از تصویب این قوانین، آن‌گونه که شایسته است، تدابیر و مقررات مناسب و هدفمند در راستای این سیاست تدوین نشده است و قوانین حاضر دچار ابهامات و کاستی‌های فراوان است که در ناکارآمدی نظام‌های بهره‌برداری از منابع آب موجود بسیار مؤثر است.



اگر به دلایل کاستی‌های قانون محوری در ایجاد بحران آب کشور توجه شود (کاستی در قانون‌نویسی، اجرای قانون و موانع اجتماعی و اقتصادی و مقاومت مردم) نقش قوه مقننه و دستگاه قضایی در این زمینه نسبت به قوه مجریه اگر بیشتر نباشد، مطمئناً کمتر نیست. از جمله در صدور مجوز و واگذاری بیش از ظرفیت مجوز برداشت جدید برای حفر چاه و منابع آب زیرزمینی، به ارتباط فیزیکی میان ذرات آب یک آبخوان و تأثیر برداشت‌های جدید بر کمیت و کیفیت حقوق برداشت‌های قدیم بی‌توجهی می‌شود و این امر نوعی دست‌اندازی و موجبات اضرار به غیر را فراهم کرده است. موضوع فناوری چاه عمیق، از دیدگاه سهولت در حیات که مبنای اسباب تملک در فقه اسلامی به شمار می‌رود نیز قابل بررسی است. به‌طور کلی نهادهای مرتبط با مدیریت آب زیرزمینی باید با شرایط این فناوری تطابق پیدا کنند. مثلاً تحول در تکنولوژی حفر چاه‌ها، حیات آب زیرزمینی را که مدت زمان نسبتاً زیادی نیاز داشت، در مورد حفر قنات، به ده‌ها سال زمان احتیاج داشت به چند روز تقلیل داد. این سهولت حیات امکان حفر دیگر چاه‌ها را چندین برابر سرعت بخشید و به‌طور جد ضرورت اعمال مدیریت در حیات منابع آب را مطرح ساخته است.



عدم شفافیت و جامع و مانع نبودن قوانین مالکیت در حوزه آب (به‌ویژه منابع آب زیرزمینی)، در مقام اجرا، تخلفات و خسارات جبران‌ناپذیری به این منابع وارد ساخته و حقوق مکتسبه بسیاری از بهره‌برداران را تضییع نموده است. حتی تکالیف قانونی تعیین شده در چند قانون برنامه اخیر درباره روشن کردن حقوق مالکیت آب از طریق صدور سند آب (از برنامه سوم توسعه تاکنون) بلا اقدام باقی مانده است. در نتیجه، رعایت قوانین مرتبط با آب از هر دو جنبه حقوق خصوصی و عمومی و اجرای سیاست‌ها با مشکلات و موانع جدی روبرو است. آنچه مسلم است در جریان انتقال نظام حقوقی آب از سال ۱۳۴۷ تاکنون از فضای حقوق خصوصی به فضای حقوق عمومی، خلأها و کمبودهای مهم و قابل تأملی بروز کرده است. این خلأها از نظر تطبیق با مبانی فقهی، عرفی و اقتصادی جای رسیدگی جدی و مستمر دارد تا کار به نتیجه مشخصی برسد.

66

«عدم شفافیت و جامع و مانع نبودن قوانین مالکیت در حوزه آب (به‌ویژه منابع آب زیرزمینی)، در مقام اجرا، تخلفات و خسارات جبران‌ناپذیری به این منابع وارد ساخته و حقوق مکتسبه بسیاری از بهره‌برداران را تضییع نموده است.»

99